

تطورشناسی دانش مدیریت آموزشی در ایران^۱

عادل مظلومی^۲

علی خلخالی^{۳*}

زهره شکیبایی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

چکیده

مقاله حاضر، گزارش یک پژوهش در زمینه تطورشناسی دانش مدیریت آموزشی در ایران است. رویکرد این پژوهش، تاریخی و از نوع تطورنگاری تفسیری، با معیار بسندگی معنایی بود. جامعه پژوهش، همه کتاب‌های نمایه شده در کتابخانه ملی ایران، طی یک قرن اخیر با کلیدواژه‌های اصلی و مستقیم مدیریت آموزشی، رهبری آموزشی و مدیریت مدرسه بودند. پس از چهار مرحله غربالگری هدفمند، ۳۷ کتاب تالیفی و ترجمه‌ای، به‌عنوان نمونه پژوهش تفکیک شدند. سپس بر اساس سنت تطورپژوهی تاریخی، پس از خوانش و فیش‌برداری از کتاب‌های نمونه و دسته‌بندی و تحلیل انتقادی داده‌ها، روندهای اصلی استنتاج شدند. همچنین در هم‌اندیشی با صاحب‌نظران، این روندهای استنتاجی، مرتباً اعتباریابی شدند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که دوره‌های تطوری دانش مدیریت آموزشی در ایران را می‌توان به شش دوره "ظهور، فترت، برون‌نگری آگاهانه، گرایش افراطی به مدیریت‌گرایی، رکود و تکرار، و بازنگری و غنی‌سازی" گونه‌شناسی کرد.

کلیدواژه‌ها: تطورنگاری، مدیریت آموزشی، ایران

^۱ مقاله حاضر مستخرج از یک رساله دکترای تخصصی در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه آزاداسلامی واحد تنکابن، تحت عنوان

"بررسی تطور تاریخی دانش مدیریت آموزشی در ایران بر اساس تحلیل متون علمی رشته"، است.

^۲ دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

^۳ دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن، ایران. (نویسنده مسئول: khalkhali_ali@yahoo.com)

^۴ استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاداسلامی، تنکابن، ایران.

مقدمه

دانش مدیریت آموزشی برای ایفای مسئولیت‌ها و نقش‌های بنیادی خود، ضرورتاً باید ماهیت دیسیپلینی خود را بطور مستمر بازتعریف کند. بازبینی دیسیپلینی، یک فرایند چند وجهی ژرفانگر تاریخی است. یکی از وجوه این فرایند، مفهومی‌سازی مسیرهای طی شده در این قلمرو معرفتی است. به زعم گانتر^۱ (۲۰۱۶) برای فهم رویکردها و فرایند بازنمایی تولید دانش در مدیریت آموزشی، پرداختن به تاریخ نگاری ضروری است. در فرایند تاریخ نگاری علمی، تطورشناسی^۲، به عنوان یکی از رویکردهای ترجیحی برای قرار گرفتن در مسیر تعالی دیسیپلینی، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (بن^۳، ۲۰۱۶). تطورنگاری دانش، تلاش برای استنتاج فرایندهای تکاملی یک حوزه از معرفت است. از منظر پدیدارشناسی، پدیده‌های اجتماعی بطور تاریخی دارای سیر تکوینی هستند، و دانش مدیریت آموزشی نیز از این مفروضه جدا نیست. لذا دانشگران این حوزه لازم است برای ترسیم دوره‌های تحولی در این دانش، نظوروری کنند. هرچند در سطح جهانی، شواهدی دال بر عینیت بخشی به این مهم در دسترس است که در بخش مبانی نظری توصیف می‌شود، لیکن در قلمرو دانش مدیریت آموزشی در ایران، گزارشی مشاهده نشده است. در عین حال قریب به اتفاق گزارش‌های جهانی از تطورات این دانش، شدیداً وابسته به بافتارهای فرهنگی و درونی هستند (اوپلاتکا^۴ و آرار^۵، ۲۰۱۷؛ همداد^۶ و هالینگر^۷، ۲۰۱۷؛ هالینگر و همکاران، ۲۰۱۵)، لذا ضروری است تا دوره‌های تحولی دانش مدیریت آموزشی در ایران، مستقل از گزارش‌های موجود جهانی، مورد بازکاوی قرار گیرد. مقاله حاضر نخستین چالش در مسیر تحقق تطورنگاری دانش مدیریت آموزشی در ایران است.

مبانی نظری

انگلیش^۸ (۲۰۰۶) معتقد است دانش مدیریت آموزشی بطور روزافزونی در معرض پیچیدگی و حرفه‌ای شدن قرار دارد زیرا زیرا از یک سو حافظ ماهیت اسطوره‌نمایانه خود است، و از سوی دیگر لازم است پاسخگوی توقعات متنوعی از جانب گروه‌های ذی‌نفع متعدد باشد. این پیچیدگی فزاینده، بازخوانی مستمر و سیستماتیک محتواهای تولیدی این دانش را اجتناب‌ناپذیر کرده است. یکی از روندهای مطالعات سیستماتیک در دانش مدیریت آموزشی، رویکردهای تاریخ نگارانه به ویژه از نوع تطورشناسانه است. در واقع در دانش مدیریت آموزشی نیز، همانند بیشتر حوزه‌های علمی، تلاش‌های گسترده‌ای برای عرضه گونه‌شناسی‌های تحولی، گزارش شده است. در عین حال، تردیدی وجود ندارد که هر یک از این گونه‌شناسی‌ها، ریشه در مبانی متنوعی دارند. در جدول ۱ نمونه‌هایی از تلاش‌های محققین مدیریت آموزشی، برای عرضه گونه‌شناسی‌هایی از این دانش ارائه شده است.

^۱ Gunter

^۲ Evolutionology

^۳ Benn

^۴ Oplatka

^۵ Arar

^۶ Hammad

^۷ Hallinger

^۸ English

جدول ۱: نمونه هایی از تلاش ها برای تطورنگاری تاریخی دانش مدیریت آموزشی در سطح جهانی

<p>تطورنگار: پاپالویس^۱ (۱۹۸۸)</p> <p>مبنای تطورنگاری: مبتنی بر مدل روایتگری تاریخی از ۱۸۸۱ تا آینده</p> <p>دوره های تطوری: ۱. تولد علم مدیریت مدرسه، ۲. تولد انجمن های حرفه ای، ۳. ظهور تئوری بزرگان، ۴. جنبش تئوری، ۵. علم اخلاق و اخلاقیات، ۶. دانش بنیانی مدیریت آموزشی، ۷. دوران معاصر و چشم اندازهای آینده</p>
<p>تطورنگار: گونتر و ریپینز (۲۰۰۳)</p> <p>مبنای تطورنگاری: ترسیم نقشه ها و مطالعات نقشه برداری رشته رهبری آموزشی درون شبکه هایی از نهادها و بخش ها</p> <p>دوره های تطوری: ۱. تولیدکنندگان، ۲. موقعیت ها، ۳. جوامع، ۴. روش ها، ۵. فرایندها و دیدگاه ها</p>
<p>تطورنگار: تامس ای گلاس و همکاران (۲۰۰۴)</p> <p>مبنای تطورنگاری: تحلیل تاریخ مدیریت آموزشی از منظر کتب درسی، در فاصله بین سال های ۱۸۲۰ تا کنون</p> <p>دوره های تطوری: ۱. از ایدئال به ایدئولوژی، ۲. از ایدئولوژی به حکمت صنعت گرا، ۳. از حکمت صنعت گرا به مفهوم، ۴. بازگشت به فن بلاغت یا واقعیت گرایی، ۵. از واقعیت گرایی به نظریه، یا از هنر به علم، و ۶. گریز از نظریه در یک دوره اصلاحات</p>
<p>تطورنگار: اوپلاتکا (۲۰۰۹)</p> <p>مبنای تطورنگاری: تحلیل تاریخی مدیریت آموزشی به عنوان یک حوزه علمی</p> <p>دوره های تطوری: ۱. هویت ها و مرزها، ۲. پایه ریزی و توسعه، ۳. نهادینه شدن علمی، ۴. گسترش معرفت شناسی، ۵. انفجار دانش، ۶. رهبری، ۷. پویایی ها</p>
<p>تطورنگار: اوپلاتکا (۲۰۱۰)</p> <p>مبنای تطورنگاری: تحلیل تاریخی مدیریت آموزشی به عنوان یک حوزه علمی</p> <p>دوره های تطوری: ۱. دوره هویت ها و مرزها، ۲. دوره پایه ریزی و توسعه مدیریت آموزشی به عنوان یک حوزه مطالعاتی، ۳. عصر نهادینه شدن علمی، ۴. دوره گسترش معرفت شناسی، ۵. عصر انفجار دانش، ۶. دوره رهبری، ۷. دوره پویایی ها</p>
<p>تطورنگار: رسته مقدم و همکاران (۱۳۹۷)</p> <p>مبنای تطورنگاری: تحلیل مقاله های خارجی این حوزه در فاصله بین سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ با رویکرد علم سنجی</p> <p>دوره های تطوری: ۱. رهبری آموزشی و ارتباط آن با عملکرد مدرسه و دانش آموزان با محوریت نقش مدیران در اثربخشی مدرسه، ۲. سنتز پژوهی و مدل سازی اثربخشی مدرسه، ۳. رهبری توزیعی و رهبری اشتراکی در تیم ها، ۴. سیاست</p>

¹ Papalewis

گذار آموزشی، جو و اندازه. سازمانی، ترک تحصیل دانش آموزان، محیط سازمان های آموزشی و فناوری های نوین

تطورنگار: گوموس و همکاران (۲۰۱۸)

مبنای تطورنگاری: تجزیه و تحلیل کتاب شناختی مبتنی بر تحلیل محتوا، با هدف بررسی منظم روند مطالعات طولی بر روی "مدل های رهبری در پژوهش آموزشی" از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴
دوره های تطوری: ۱. مدل های رهبری توزیع شده، ۲. رهبری آموزشی، ۳. رهبری معلمان، ۴. رهبری تحول آفرین

تطورنگار: هالینگر و کوواسویچ (۲۰۱۹)

مبنای تطورنگاری: نقشه برداری مبانی دانش مدیریت و رهبری آموزشی، در یک تحلیل کتاب شناختی طولی (۱۹۶۰ تا ۲۰۱۸)،

دوره های تطوری: ۱. رهبری برای یادگیری، ۲. تغییر پیشرو، ۳. معلمان پیشرو، ۴. اثربخشی مدرسه، ۵. بهبود مدرسه

مطابق مستندات جدول ۱، تراکم دانش تولیدی در مدیریت آموزشی، در طی بیش از ۱۵۰ سال، ضرورت طبقه بندی و گونه شناسی را برای پژوهش گران این دانش، اجتناب ناپذیر کرده است. در واقع روایت دانش مدیریت آموزشی به عنوان یک دیسیپلین، مستلزم ارائه تاریخی مدون و مستقل از روند طی شده رشته است. تنوع مشاهده شده در این جدول، ناشی از ماهیت اسناد و مبانی مورد استفاده توسط تطورنگاران است. همچنین این تنوع از یک سو نشانگر گسستگی نظری، و از سوی دیگر مبین ظرفیت های گسترده دانش مدیریت آموزشی برای اعتلای دیسیپلینی است. پیشترها اریکسون^۱ (۱۹۷۹) گزارش کرده بود که نفوذ نظریه های متفاوت به متن گفتمان حوزه مطالعاتی مدیریت آموزشی، تاریخی متنوع برای این دانش ایجاد خواهد کرد. گریفیتر^۲ (۱۹۹۷) نیز ادعا کرد که پیشرفت در مدیریت آموزشی با استقبال از ایده ها و روش های متفاوت تحقق خواهد یافت. کاپر (۱۹۹۳)، "کثرت گرایی نظریه ای مدیریت آموزشی" را به ویژگی های جامعه کثرت گرا مرتبط می داند. از نظر او، رویکردی که کارکردگرایی ساختاری، تفسیرگرایی، نظریه انتقادی فراساختارگرایی فمینیسم را به کار گیرد، می تواند برای حوزه مدیریت آموزشی مفید واقع شود، زیرا کاستی های هر پارادایم با پارادایم های دیگر بهبود می یابد. کلارک^۳ و دونوگو^۴ (۲۰۱۷) در مقاله ای تفکیک ناپذیری روابط "رهبری آموزشی" و "بافت آموزشی" را برجسته کردند. بریجز^۵ (۱۹۸۲) معتقد است در روایت آمریکایی از مدیریت آموزشی، در بازه سال های ۱۹۰۰-۱۸۷۵، ابتدا

¹ Erickson

² Griffiths

³ Clarke

⁴ Donoghue

⁵ Bridges

در مقیاس "مدیریت کلاس درس" مطرح بود، اما از سال ۱۹۰۱ و پس از آن، مفهوم "مدیریت عمومی" بیشتر مدنظر قرار گرفته است. در همین چارچوب، هالینگر^۱ و کوواسویچ^۲ (۲۰۱۹) تحول گسترده‌ای در ساختار فکری دانش مدیریت آموزشی، از تمرکز بر "اداره کردن" تا تغییر نسل به پذیرش هویت "رهبری برای یادگیری" را نقشه‌برداری کردند. این تغییر پارادایم نه تنها تمرکز تحقیقات را تغییر داده است بلکه "هویت رهبری و مدیریت آموزشی" را نیز به عنوان یک رشته مطالعاتی، تغییر داد.

اوپلاتکا و آرار (۲۰۱۷) در تحقیقی در مورد رهبری و مدیریت آموزشی در جهان عرب از دهه ۱۹۹۰ به بعد، به جمع‌آوری، مستندسازی، بررسی و تجزیه و تحلیل سیستماتیک انتقادی تاریخی پژوهش‌های رهبری آموزشی در کشورهای عربی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که اکثریت تحقیقات پیرامون رهبری آموزشی عربی، یا مشخص کردن "الگوهای سبک‌ها و جهت‌گیری‌های رهبری" و موانعی که رهبران آموزش و پرورش این جوامع، در استفاده از مدل‌های رهبری با سرچشمه‌های غربی با آن مواجه هستند، متمرکز شده‌اند. مطالعه سیستماتیک هالینگر و کوواسویچ (۲۰۱۹) در زمینه ادبیات مدیریت آموزشی، طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۸، برای درک تکامل تحقیقات در مدیریت آموزشی تغییر پارادایم از "مدیریت مدرسه" به "رهبری مدرسه" در طول شش دهه را آشکار ساخت. در عین حال پژوهش هالینگر و کولوفاس^۳ (۲۰۱۹) نشان داد که همچنان به بررسی‌های اساسی در زمینه تحقیقات مربوط به این مکاتب فکری، نیاز است. اگرچه مرور این ادبیات پژوهشی نشان از عدم تعادل جغرافیایی به نفع محققین انگلیسی، آمریکایی و اروپایی دارد، اما روند افزایش مشارکت از سایر مناطق جهان مشاهده شد و باید مورد تشویق قرار گیرد. گونتر و ریبینز^۴ (۲۰۰۳) در دانشگاه بیرمنگام طی پژوهشی به ترسیم نقشه‌ها و مطالعات نقشه‌برداری رشته رهبری آموزشی، پرداختند. به‌زعم آن‌ها، حوزه رهبری آموزشی چند منظوره است و پژوهش‌گران این حوزه نیز درون شبکه‌هایی قرار دارند که به نهادها و بخش‌ها متصل می‌شوند. گوموس و همکاران (۲۰۱۸) در طول دو دهه گذشته، تلاش‌های چشمگیری برای بررسی دانش تولیدشده در رشته رهبری و مدیریت آموزشی، در ممالک غیر غربی را، با تمرکز بر پژوهش‌های بین‌المللی محققین ترکیه‌ای، انجام دادند. واکر^۵ و همکاران (۲۰۱۲) وضعیت پژوهش‌های مدیریت آموزشی در چین را که طی سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۸ به زبان زبان انگلیسی و چینی منتشر شده‌اند، مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های مروری به‌عنوان مجموعه‌ای از الگوهای اصلی و زیرمجموعه‌های مشارکتی ارائه می‌شود که از پژوهش‌های تجربی یا غیر تجربی سرچشمه می‌گیرد.

هالینگر (۲۰۱۴) پژوهش‌های رهبری آموزشی را از منظر روش‌شناسی مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش تأکید دارد که مطالعات رهبری و مدیریت آموزشی، از ضعف‌های روش‌شناسی متعددی برخوردارند و از این منظر، رشته مدیریت آموزشی نیازمند غنی‌سازی روش‌شناختی است. هالینگر و واکر (۲۰۱۵) در یک سنتز پژوهی، یافته‌های پنج مرور سیستماتیک در مورد رهبری مدارس را در شرق آسیا مورد تحلیل قرار دادند. یافته‌ها وجود سه الگوی محتوایی در این پنج

¹ Hallinger

² Kovačević

³ Kulophas

⁴ Ribbins

⁵ Walker

مطالعه شامل "نفوذ بر مدیریت مدارس"، "فعالیت‌های رهبری آموزشی" و "توسعه مدیران مدارس" را نمایان ساخت. هالینگر (۲۰۱۱) در یک پژوهش مروری به بررسی وضعیت سه دهه رساله‌های دکتری مدیریت آموزشی، با هدف بررسی تحولات روش‌شناختی در مطالعات رهبری آموزشی، پرداخت. یافته‌ها نشان می‌دهند که هرچند علاقه به رشته رهبری آموزشی در بین نظریه‌پردازان و مجریان، در طول دوره مورد مطالعه گسترش یافته است، لیکن چارچوب‌های مفهومی و روش‌های بکار رفته توسط دانشجویان دکترای این رشته، در کل، برای بسط مبانی نظری و دانش عملی در مدیریت و رهبری آموزشی، ناکافی است. شیوه‌های استنادی این رساله‌ها نیز مؤید این ضعف روش‌شناسانه بوده است.

حسینقلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی سیر تاریخی اندیشه‌های مدیریت آموزشی را با نگاهی به تجربه‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد رویکردهای نوظهور مانند نظریه انتقادی، فمینیسم و پست مدرنیسم، آنچه که مبنای دانش مدیریت آموزشی قلمداد می‌شود را زیر سؤال قرار داده و از این طریق، احتمال دستیابی به وحدت نظری را تضعیف کرده‌اند. صمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی وضعیت مدیریت آموزشی در ایران را از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی مورد بررسی قرار دادند که نتایج بیانگر پیچیدگی این حوزه و وجود مشکلات متعدد در ابعاد مختلف است. بیشتر مشکلات مربوط به پژوهش‌های این حوزه است که در مبانی علمی این رشته، حرفه‌ای‌گری و وقایع سیاسی، اجتماعی خودنمایی می‌کند. رعدی افسوران و نصر (۱۳۹۵) نیز در یک مطالعه تطبیقی ترجیحات روش‌شناختی پژوهش‌گران حوزه مدیریت آموزشی در ایران و غرب را مورد مقایسه قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد؛ روش غالب، در ایران، روش پیمایشی و همبستگی است؛ اما در غرب، روش‌های برخاسته از راهبرد کیفی و ترکیبی است. در مقابل عبداللهیان و آزاد ارمکی (۱۳۹۴) فرایندهای رشته مدیریت آموزشی را مورد بررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند که گزارشی در خصوص وضعیت تطوری "دانش مدیریت آموزشی در ایران" مشاهده نشد.

مرور ادبیات پژوهشی در حوزه تاریخ‌نگاری دانش مدیریت آموزشی از یک سو در سطح جهانی گویای گرایش گسترده برای روایت‌گری مسیرهای طی شده برای ترسیم چشم‌اندازهای آینده است، لیکن در ایران، علیرغم بیش از ۶ دهه تلاش برای تولید دانش، هنوز فرصتی برای بازبینی آگاهانه و مستند در قلمرو این دانش گزارش نشده است. لذا مقاله حاضر تلاش دارد تا روایتی تاریخی از روند تحولات دانش مدیریت آموزشی در ایران را بازخوانی کند. در این فرایند قرار است به این پرسش پاسخ داده شود که بر مبنای تطورشناسی تاریخی، چند دوره تحولی در دانش مدیریت آموزشی ایران، قابل استنتاج است؟

روش پژوهش

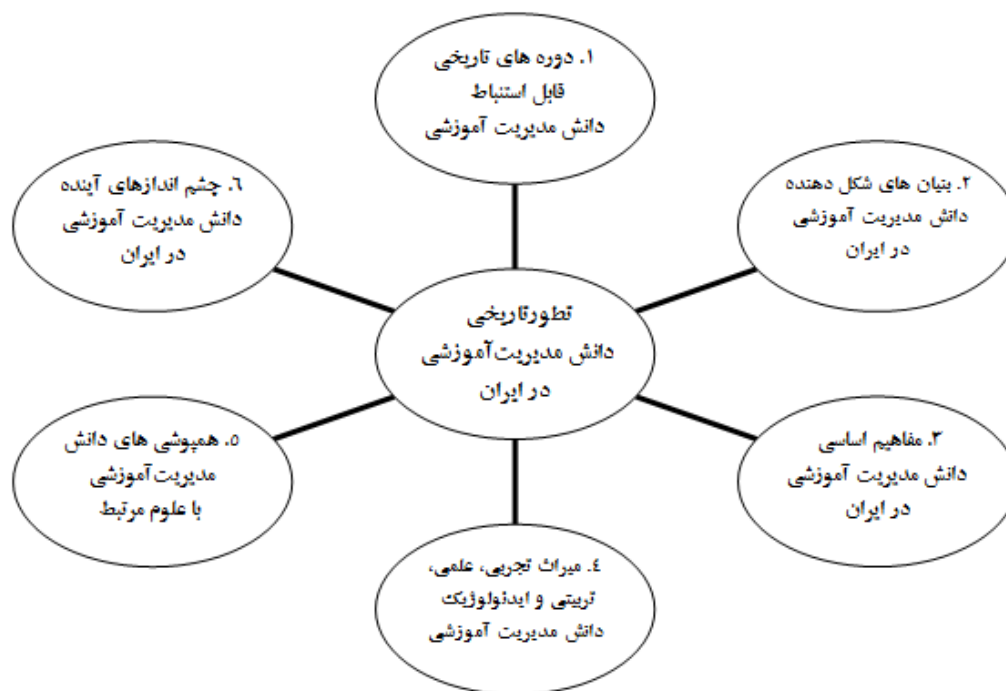
رویکرد پژوهش حاضر، کیفی، تاریخی و از نوع تطورنگاری تفسیری است. همچنین در چارچوب روش تطورنگاری تفسیری، از معیار بسندگی معنایی، استفاده شد. منظور از بسندگی معنایی، تلاش جهت روایت معقولانه، باورپذیر و قابل اعتماد از روندهای تاریخی مدیریت آموزشی مستخرج از منابع نمونه است (احمد^۱، ۲۰۱۰). جامعه پژوهش، همه کتاب‌های

¹ Ahmed

نمایه شده در کتابخانه ملی ایران، طی یک قرن اخیر با کلیدواژه‌های اصلی و مستقیم مدیریت آموزشی، رهبری آموزشی و مدیریت مدرسه بودند. پس از چهار مرحله غربال‌گری هدفمند، ۳۷ کتاب تألیفی و ترجمه‌ای، که از لحاظ اعتبار نویسندگان، ناشر و نیز استقبال جامعه علمی شناخته شده‌تر بودند، به‌عنوان نمونه نهایی گزینش شدند. در این گزینش، به معیار پراکندگی جغرافیایی تولید دانش موردنظر نیز توجه شد. ضمناً تعدادی از این کتاب‌ها، منتخب شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هم بودند. از منظر روش تحلیل، پژوهش‌هایی با برد کلان، در ارائه نظریات و گزارش پژوهش خود، عمدتاً از روش پژوهش اسنادی استفاده می‌کنند (صادقی فسائی و عرفان منش، ۱۳۹۴). در روش اسنادی که مستلزم جستجوی توصیفی و تفسیری است، آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی مورد مطالعه است، تحلیل می‌شوند (احمد، ۲۰۱۰). در این روش پژوهشگر تلاش می‌کند تا به روشی نظام مند، از داده‌های اسنادی، به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش بپردازد. با روش اسنادی، سطح تحلیل از توصیف فراتر رفته و به سطح تفسیر و استنتاج ارتقا می‌یابد (صادقی فسائی و عرفان منش، ۱۳۹۴). مهمترین تکنیک در روش اسنادی برای بازخوانی متون و منابع شامل تعیین واژگان کلیدی، فیش‌برداری، مرور سیستماتیک، طبقه‌بندی مفهومی و ترکیب و تقلیل داده‌ها است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش براساس سنت تطورپژوهی تاریخی، تلاش شد تا در مواجهه با اسناد منتخب، از یک مدل مفهومی برای استنتاج‌ها بهره گرفته شود (شکل، ۱). این مدل مفهومی، برای اجماع نظر و دریافت تفسیرهای همسوتر، و اعتباربخشی به نتایج بسیار موثر بود.



شکل ۱. مدل مفهومی برای هدایت فرایند استنتاج ها از اسناد منتخب

براین اساس، در هنگام خوانش هر سند، مولفه‌های شش گانه مدل مفهومی تطورنگاری، در ذهن محققین مرتب ظهور یافته تا امکان متمایزسازی دوره های تاریخی محقق گردد. پرسش اصلی‌ای که مبنای تحلیل و یافته‌های حاصله را شکل داد این بود که: **بر مبنای تطورشناسی تاریخی، چند دوره تحولی در دانش مدیریت آموزشی ایران، قابل استنتاج است؟**

همانطور که در بخش روش اشاره شد، اسناد منتخب شامل ۲۰ کتاب تالیفی و ۱۷ کتاب ترجمه‌ای در بازه زمانی ۱۳۴۰ تا آستانه ۱۴۰۰ هجری شمسی بود. در گزینش کتب سعی شد تا حد امکان فقط چاپ اول آنها در دوره مربوطه لحاظ گردد. بنابراین چاپ‌های بعدی به عنوان رویدادهای دوران ساز، منظور نشده است. پس از خوانش و فیش‌برداری از کتاب‌های نمونه و دسته بندی و تحلیل انتقادی داده‌ها، بر مبنای مدل مفهومی، روندهای اصلی استنتاج شدند. در فرایند استنتاج، مهمترین اقدام، تصمیم گیری درباره بازه های زمانی برای متمایزسازی دوره‌های تطوری بود. در نهایت بر اساس بازه‌های ده ساله، ۶ دوره تحولی، برای تطورنگاری دانش مدیریت آموزشی در ایران مناسب‌تر تشخیص داده شد. لازم به توضیح است که واژه تحولی، به معنای پیشرفت و بهبود نیست، بلکه صرفاً اشاره به یک دگرذیسی دارد. دشوارترین بخش پژوهش حاضر، فرایند نام‌گذاری دوره‌ها بود. نام‌ها باید، هم با محتوای اسناد مورد بررسی، و هم بسترهای اجتماعی‌ای که در آن، این اسناد تولید شده‌اند، و نیز بازتاب‌های جهانی، تا حدودی همخوانی داشته باشد. در ادامه یافته‌های نهایی

پژوهش، براساس تطورشناسی تاریخی دانش مدیریت آموزشی بر مبنای کتاب های تالیفی و ترجمه ای در ایران، گزارش می شود.

دوره ظهور دانش مدیریت آموزشی (بازه زمانی دهه ۴۰)

مستندات:

کتاب سازمان فرهنگ و رهبری آن، محمدعلی طوسی، مجله تهران مصور، ۱۳۴۲.

کتاب مدیریت و رهبری آموزشی، کیمبل واینز، ترجمه محمدعلی طوسی، تهران، انتشارات دانشگاه سپاهان انقلاب، ۱۳۴۶.

کتاب سازمان و اداره آموزش و پرورش، جلد اول، محمد مشایخی، دانشسرای عالی، ۱۳۴۸.

کتاب پژوهشی در باب نظرات رؤسا و مدیران کل آموزش و پرورش، محمدعلی طوسی، انستیتو آموزش برنامه ریزی و مدیریت، ۱۳۴۹.

بررسی ها نشان می دهند که نخستین کتاب در حیطه دانش مدیریت آموزشی در سال ۱۳۴۲ تالیف شده است. در این دوره، تمرکز تالیفات و ترجمه های کتب مدیریت آموزشی در ایران در انحصار محمدعلی طوسی قرار دارد. آثار محمد مشایخی نیز در نظریه پردازی تحولات پیش روی سیستم آموزش و پرورش کشور، در شکل دهی دانش مدیریت آموزشی ایران، بسیار تاثیر گذار بود. دهه چهل از لحاظ تاریخی، دورانی منحصر به فرد در عرصه تعلیم و تربیت ایران محسوب می شود. زیرا در این دوره برای نخستین بار، تقریباً منسجم ترین برنامه های توسعه ای در کشور، طراحی و اجرا می شود و سیستم رسمی آموزش و پرورش نیز، بخش مهمی از این برنامه بود. شواهد نشان می دهند که کتب مدیریت آموزشی در این دوره، هر چند معدود، لیکن به نوعی جهت حمایت نظری از این برنامه های توسعه تمرکزگرا تالیف می شوند. در همین دوره، رشته های دانشگاهی مدیریت آموزشی نیز تاسیس می شوند. پیشنهاد عنوان دوره ظهور، مبین آغازگری دانش مدیریت آموزشی در ایران است. البته این ظهور، در مقایسه با وضعیت جهانی مدیریت آموزشی، حداقل با نیم قرن تاخیر در ایران محقق می شود.

دوره فترت دانش مدیریت آموزشی (بازه زمانی دهه ۵۰)

مستندات:

کتاب سازمان و اداره آموزش و پرورش در ایران و کشورهای مختلف جهان، محمد علی طوسی، انتشارات کتاب های جیبی، ۱۳۵۲.

کتاب آشنایی با کاربرد روش سیستم ها در مدیریت آموزشی، محمد نائلی، دانشگاه جندی شاپور، اهواز، ۱۳۵۶.

کتاب مقدمات مدیریت آموزشی، علی علاقه بند، رز، تهران، ۱۳۵۷.

کتاب پژوهشی در مدیریت مدارس متوسطه استان خوزستان، نوشته محمدعلی نائلی، انتشارات دانشگاه جندی شاپور، ۱۳۵۸.

برنامه‌های توسعه تمرکزگرای بوروکراتیک، به سرعت، بی‌نیازی به نظریه‌پردازی در علوم انسانی و اجتماعی بطورکل، و دانش مدیریت آموزشی را بطور خاص، آشکار می‌سازد. تحولات اجتماعی و سیاسی همراه با درآمدهای ظاهراً بی‌انتهای نفتی، تصمیم‌گیرندگان را از جستجوی راه حل‌های دانش بنیان غافل کرد. در عین حال در این دوره هنوز پیکره علمی قدرتمندی در حول این دانش شکل نگرفته است. بررسی مستندات منتخب نشان می‌دهد که دانش مدیریت آموزشی علیرغم انتظاراتی که در دهه ظهور شکل گرفته بود، عملاً حضور و نمود موثری در روند شکل دهی سیستم‌های آموزشی ایران، نداشته است. تالیف کتاب مقدمات مدیریت آموزشی توسط علی علاقه‌بند، که پیش‌تر در قالب جزوه درسی، در دانشگاه سپاهیان انقلاب، تدریس شده بود، از جمله نخستین متون مدیریت آموزشی با رویکرد تدوین کتاب درسی در این رشته محسوب می‌شود. این کتاب از لحاظ استمرار چاپ، تاثیرگذارترین کتاب درسی در رشته مدیریت آموزشی محسوب می‌شود.

دوره برون‌نگری آگاهانه در دانش مدیریت آموزشی ایران (بازه زمانی دهه ۶۰)

مستندات:

کتاب مدیریت مدارس: مبانی، تئوری‌ها، لی فام، جیمز م، هووئه، جیمز ا، ترجمه محمد علی نائلی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۶۳.

کتاب مدیریت مدارس: مبانی و تئوری‌ها، نوشته لی فام، جیمز، هووئه، جیمز، ترجمه محمد علی نائلی، انتشارات دانشگاه شهید چمران، ۱۳۶۳.

کتاب مدیریت آموزشی و رفتار سازمانی، مارک هنسن، ترجمه علی نائلی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۶۴

در این دوره تداوم رویکرد تمرکزگرایانه، توأم با تمایلات شدید ایدئولوژیک، عملاً فرصت نظریه‌پردازی‌های علمی درون‌گرا را محدود می‌سازد. لاجرم در کنار تجدید چاپ محدود کتب تالیفی دوره قبل، رویکرد اصلی صاحب نظران دانش مدیریت آموزشی، به سمت ترجمه تمایل می‌یابد. نکته بارز این دوره ظهور تولیدکنندگانی خارج از دانشگاه‌های پایتخت، هستند. کتاب‌های گزینش شده برای ترجمه از معتبرترین نمونه‌ها هستند. این منابع، تا سال‌های اخیر نیز همچنان از اعتبار لازم برخوردارند. برای خوانندگان این کتاب‌های ترجمه‌ای، فرصت مناسبی برای کاهش شکاف دانشی با جهان مهیا شد. در این دوره توجه به نقش محمد علی نائلی در شکل‌گیری این نوع برون‌نگری آگاهانه، اجتناب‌ناپذیر است.

دوره گرایش افراطی به مدیریت‌گرایی در دانش مدیریت آموزشی ایران (بازه زمانی دهه ۷۰)

مستندات:

کتاب مدیریت آموزشی، تئوری، تحقیق و عمل، هوی و میسکل، ترجمه میر محمد سید عباس زاده، دانشگاه ارومیه، ۱۳۷۰.

کتاب اصول مدیریت آموزشی، علی علاقه‌بند، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۰.

- کتاب مدیریت آموزشی و آموزشگاهی: محمدرضا بهرنگی، کمال تربیت، تهران، ۱۳۷۱.
- کتاب رهبری و مدیریت آموزشی، محمد میرکمالی، یسپرون، تهران، ۱۳۷۳.
- کتاب مدیریت آموزشی، علی شیرازی، جهاد دانشگاهی، مشهد، ۱۳۷۳.
- کتاب مدیریت آموزشی، مهدی مرادمند، دانشگاه تربیت معلم تبریز، تبریز، ۱۳۷۵.

دهه ۷۰، دوره گرایش افراطی به مدیریت گرایی در قلمرو دانش مدیریت آموزشی است. سرفصل محتوایی منابع تولیدی در این دوره، در بهترین شرایط در حد یک کتاب مدیریت عمومی هستند. تنها مثال های آنها در قلمرو سازمان های آموزشی است. این افراط در حدی است که یکی از مولفین مهم این دوره، مدیریت آموزشی را اینگونه تعریف می کند: دانش مدیریت آموزشی عبارت است از فرآیند برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت، نظارت، ارزشیابی و در مجموع اداره کردن کلیه امور و فعالیت های مربوط به آموزش و پرورش (بهرنگی، ۱۳۹۳)، یا مولف شناخته شده دیگری به صراحت می نویسد که مدیریت آموزشی، از آغاز شکل گیری خود و در واقع، بر شانه یادگیری های گذشته رشته های مدیریت و علوم رفتاری قرار داشته است (۱۳۷۰)، در حالی که دانش مدیریت آموزشی حداقل ۵۰ سال قبل از تولد دانش مدیریت، حضور و ظهور داشته است (خلخالی، ۱۳۹۴). این دیدگاه، تقریباً در همه منابع این دوره قابل ردیابی است. در متون تالیفی و حتی ترجمه های این دوره کمتر نشانه ای از نظریه پردازان شناخته شده جهانی مدیریت آموزشی و دیدگاه های آنها مشاهده می شود. توسعه دوره های تحصیلات تکمیلی در سطح کشور در رشته مدیریت آموزشی، همراه با الزام به استفاده از این کتاب ها که تقریباً همگی توسط مولفین پایتخت نشین تولید شده بودند، به عنوان تنها منابع آزمون ورودی به تحصیلات تکمیلی در رشته مدیریت آموزشی و نیز به عنوان تنها منابع درسی این رشته، زمینه های انحصار انحطاطی این دانش را مهیا ساخت. در نتیجه این وضعیت و افول و ایستایی در تولیدات نظری در دانش مدیریت آموزشی ایران، کارگزاران سیستم آموزش و پرورش رسمی هم دیگر برای حل مسائل خود، نیازی به مراجعه به آموزه های این رشته نمی بیند.

دوره رکود و تکرار در دانش مدیریت آموزشی ایران (بازه زمانی دهه ۸۰)

مستندات:

- کتاب کلیات مدیریت آموزشی، میرمحمد سید عباسزاده، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ۱۳۸۰.
- کتاب نواندیشی در مدیریت آموزشی (مقدمات و اصول) علاءالدین اعتماد اهری، پژوهش دادر، تهران ۱۳۸۵.
- کتاب مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی: مفاهیم و عمل، لاننبرگ، اورنستین، ترجمه محمدعلی فرنیا، تبریز، ۱۳۸۵.
- کتاب مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی با نگرش نوین، قربانعلی سلیمی و همکاران، دانشگاه آزاد اسلامی، خوراسگان، ۱۳۸۶.
- کتاب چالش های مدیریت آموزشی، مایک باتری، ترجمه علی اکبر امین بیدختی، دانشگاه سمنان، سمنان، ۱۳۸۷.

کتاب مدیریت آموزشی، سید حمید موسوی، طاهره بیگی، حسن عاشقی، فرهیختگان، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

در این دوره مولفین وابسته به دانشگاه های مستقر در تهران، صرفا کتاب های دوره های قبل را، از طریق یک فرایند انحصار دانشگاه محور، به چاپ های چندم می رسانند، در حالی که شواهد نشان می دهند دامنه تاثیر گذاری این منابع در عمل و نظر سیستم های آموزشی، تقریبا هیچ است. این منابع صرفا برای امتحانات درسی تالیف شده اند. البته در این دوره می توان شاهد تلاش نویسندگان دور از مرکز، برای تولیدات جدید در قلمرو دانش مدیریت آموزشی بود، لیکن محتوای این منابع به نوعی تکرار همان محتواهای غالب در این دوره است. در هیچ یک از این منابع دغدغه توسعه رشته، ملاحظه نمی شود، و سیطره مدیریت گرایی کاملا بارز است. این یک دوره به تمامی رکود و تکرار است.

دوره بازنگری و غنی سازی دانش مدیریت آموزشی (بازه زمانی دهه ۹۰)

مستندات:

کتاب مقدمه ای بر رهبری آموزشی و رفتار سازمانی: تئوری در عمل، نوشته پتی چنس و ادوارد چنس، ترجمه محمد حسنی، میرمحمد سیدعباس زاده و مریم سامری، انتشارات دانشگاه ارومیه، ۱۳۹۰.

کتاب تئوری های رهبری و مدیریت آموزشی، تونی بوش، ترجمه محمد حسنی و همکاران، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ۱۳۹۱.

کتاب رهبری و مدیریت آموزشی، کلمن و گلور، ترجمه فلاوندی و سکوتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ۱۳۹۲.

کتاب مدیریت آموزشی، تحقیق، تئوری و عمل، علی شیرازی، مهربان نشر، تهران، ۱۳۹۲.

کتاب رهبری و مدیریت آموزشی، دیوید میدلوود و تونی بوش، ترجمه محمدرضا آهنجیان و منصوره عتیقی، رشد، تهران، ۱۳۹۳.

کتاب تئوری های رهبری و مدیریت آموزشی، نوشته تونی بوش، ترجمه محمد حسنی، نرگس سکوتی، مریم سامری و تحت نظارت میرمحمد سید عباس زاده، انتشارات دانشگاه ارومیه، ۱۳۹۳.

کتاب مدیریت آموزشی تعمیم یافته (بازخوانی و بازسازی نقش رشته)، علی خلخالی، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ۱۳۹۴.

کتاب تحقیق و تفکر در نظریه مدیریت آموزشی، گلا دیس استایلز جانستون و کارول کمپ بیگی، ترجمه سید محمد میرکمالی، یسطرون، ۱۳۹۶.

کتاب مبانی و اصول مدیریت آموزشی، غلامرضا شمس، سمت، تهران، ۱۳۹۶.

کتاب رهبری آموزشی در ۲۰۵۰: برداشت ها، چالش ها و تعهدات، نوشته فنویک، دبلیو، اینگلیش؛ رزماری پاپا؛ کارل ای. مولن و تد کرایتون، ترجمه ناصر شیربیگی و رویا فاتحی، انتشارات آثار معاصر، ۱۳۹۷.

کتاب تاریخ مدیریت آموزشی از منظر کتب درسی، نوشته تامس ای. گلاس و همکاران، ترجمه ناصر شیربگی، انتشارات آثار معاصر، ۱۳۹۷.

کتاب تحلیل تاریخی مدیریت آموزشی به عنوان یک حوزه علمی، نوشته ایزر اوپلاتکا، ترجمه ناصر شیربگی، انتشارات آثار معاصر، ۱۳۹۷.

کتاب مقدمه ای بر مدیریت آموزشی، محمدرضا آهنچیان، نشر نی، ۱۳۹۸.

پس از تقریباً حدود ۳۰ سال رکود و انحطاط در دانش مدیریت آموزشی در ایران، و در اوج ناامیدی برای تحصیل کردگان این رشته از لحاظ هویتی، در دهه نود، رویدادهای امیدوارکننده ای به وقوع می پیوندد. کتاب های تالیفی و ترجمه ای این دوره، حجم انبوهی از نظریه ها و نظریه پردازان مدیریت آموزشی را به جامعه علمی این رشته معرفی می کنند. به ویژه ترجمه آثار تونی بوش، فنویک دلبیوانگلیش؛ رزماری پاپا؛ کارل مولن، تد کرایتون، تامس گلاس، ایزر اوپلاتکا، گلادیس استایلزجانستون و کارول کمپ بیگی، به عنوان برجسته ترین نظریه پردازان دنیای معاصر در رشته مدیریت آموزشی، برای اندیشه ورزان ایرانی این حوزه مطالعاتی هویت بخش بوده است. شاید مهم ترین چرخش در ارائه تصویری مستقل از رشته مدیریت آموزشی به حساب می آید. نشر و ترویج این کتاب ها در بین دانشجویان و صاحب نظران مدیریت آموزشی کشور و توجه به تلاش های جهانی برای استقلال رشته مدیریت آموزشی و رویگردانی از رویکردهای منسوخ میان رشته ای و یا مدیریتی انگاری رشته در این زمینه مؤثر خواهد بود. همچنین چالش های پیش روی رهبران آموزشی و برنامه های دانشگاهی مربوط به آماده سازی آن ها در دوران معاصر در این آثار بارز است.

در این کتاب ها، دوره های اصلی تجانس و نیز انقطاع بین مدرسه، آموزش و پرورش و جامعه مورد بررسی قرار گرفته است. این تمرین و آماده سازی به طور هم زمان در فضای اجتماعی متضاد و پرچالشی، که ترکیبی از دوران فراصنعتی و عصر دیجیتال است، روی می دهد. در این کتاب ها نشانه های هشداردهنده از تعارض هایی که موجب آشفتگی رهبری آموزشی شده است، مورد بحث قرار گرفته اند؛ مواردی مانند جداسازی و تجاری سازی آموزش عمومی دولتی، بی خاصیت کردن اتحادیه های معلمان، تلاش برای حرفه ای زدایی از برنامه های آماده سازی معلمان و مدیران، نادیده گرفتن تداوم شکاف پیشرفت تحصیلی که خود نابرابری های اجتماعی وسیع تری را موجب می شود، تنزل ارزش مدرک تحصیلی با توسعه کارخانه های تولید مدارک، عادی سازی و فرهنگی شدن تقلب، و تنزل و فرسایش اعضای هیئت علمی عرضه کننده برنامه های آمادگی رهبران آموزشی در دانشگاه ها. در بخشی از این کتاب ها تاکید شده است که وعده ظاهراً موجه تحقق عدالت اجتماعی به واسطه تغییرات فزاینده و سریعی که از لحاظ جمعیت شناختی روی داده و در نوعی تنوع ملی متجلی شده است، ساختار برنامه های جدی آماده سازی رهبران آموزشی را که هنر و علم رهبری را بیدار می سازند، محصور و کم اثر کرده است. در نهایت، نویسندگان کتاب های ترجمه شده این دوره، نوعی رهبری مبتنی بر پداگولوژی را برای خلق پلی کاربردی بین رهبری و یادگیری، در آماده سازی و عمل رهبران آموزشی، پیشنهاد می کنند (انگلیش و همکاران، ۱۳۹۷).

همچنین این کتاب‌ها برای خوانندگان حرفه‌ای فرصتی جهت رسیدن به برداشتی جامع از تاریخ رشته علمی مدیریت آموزشی ایجاد می‌کنند. بخشی از این کتاب‌ها به خوانندگان ایرانی نشان می‌دهند که پیش‌ازان رشته مدیریت آموزشی از حدود دهه ۱۸۴۰ تا سال‌های انتهایی ۲۰۰۰ آثار مکتوبی را خلق کرده‌اند و تلاش می‌کنند تا این آثار را در یک مجموعه مورد خوانش انتقادی قرار دهند. بازخوانی کتاب‌های درسی مدیریت آموزشی در یک دوره حدوداً دو‌یست ساله، فرصتی بی‌نظیر برای استادان و دانشجویان مدیریت آموزشی و نیز فعالان رسمی عرصه اداره سیستم‌های آموزشی فراهم آورده است تا به درک بهتر و روشن‌تری از جایگاه فعلی رشته و چشم‌اندازهای آینده آن برسند (گلاس و همکاران، ۱۳۹۷).

در این بعضی از کتاب‌های این دوره مشاهده می‌شود که در تلاش برای ردیابی مبانی فلسفی و تاریخی مدیریت آموزشی به‌عنوان یک رشته علمی، در ارتباط با مدیریت و عملکرد سازمان‌های آموزشی، تحولات معرفت‌شناختی مهم این رشته مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این منابع بر این نکته تأکید می‌شود که شاید مهم‌ترین پرسش‌هایی را که برای معرفی رشته مدیریت آموزشی لازم است، را باید در چشم‌اندازی تاریخی جستجو کرد. پرسش‌هایی درباره ماهیت منحصر به فرد رشته مدیریت آموزشی، نقطه عطفی برای خوانندگان تخصصی این رشته محسوب می‌شود. از لحاظ روش‌شناسی نیز در این دوره، استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی برای اعتباربخشی به میراث گران‌بهای رشته مدیریت آموزشی، به‌ویژه با استناد به محتوای ژورنال‌های علمی، کاملاً خلاقانه بوده است. تلاش‌های شیربگی و آهنچیان برای تازه گردانی دانش مدیریت آموزشی، در این دوره کاملاً مشهود است.

در متون تالیفی این دوره نیز سیطره مدیریت‌گرایی افراطی از پیکره این دانش کاسته شده و خوانش‌های فلسفی، جامعه‌شناختی و پداگوژیک از دانش مدیریت آموزشی، دریچه‌های تازه‌ای برای آن می‌گشاید. مهم‌ترین چرخش مشهود در متون تالیفی و ترجمه‌ای این دوره، بازگشت مجدد مباحث مدیریت آموزشی به قلمرو عمل و نظر امر آموزش و پرورش رسمی و به‌ویژه امور مدرسه‌ای است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا در یک مطالعه تطورشناسانه تاریخی، برای نخستین بار یک گونه‌شناسی از دوره‌های تحولی دانش مدیریت آموزشی در ایران استنتاج گردد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که دوره‌های تطوری دانش مدیریت آموزشی در ایران را می‌توان به شش دوره "ظهور، فترت، برون‌نگری آگاهانه، گرایش افراطی به مدیریت‌گرایی، رکود و تکرار، و بازنگری و غنی‌سازی" گونه‌شناسی کرد. تطورشناسی رویکردی برای درک تکامل پدیده‌های تاریخمند است. تطورنگاری حقایقی را آشکار می‌سازد که می‌تواند منجر به درکی بهتر و بینشی عمیق‌تر شود. در این پژوهش تأکید شده است که اگرچه همه علوم، به‌عنوان پدیده‌های تاریخمند، نیازمند مواجهه تطورشناسانه هستند، لیکن این ضرورت در قلمرو دانش مدیریت آموزشی که ماهیتی از هم‌گسیخته و پراکنده (پلاتکا، ۲۰۰۸) یافته است، دوچندان است. هرچند به زعم بوش (۲۰۰۳)؛ مدیریت آموزشی یک رشته مهم قلمداد می‌شود و نیازمند بازسازی است، لیکن

اوزدمیر (۲۰۱۱) بر پایه تحلیلی که از تاریخ مدیریت آموزشی ارائه می‌دهد، تاکید می‌کند که مدیریت آموزشی، هم از نظر تاریخی و هم از نظر گونه شناسی، نتوانسته به طور کامل به یک هویت مستقل دست یابد.

بخشی از یافته های این پژوهش، تاکید بر ضرورت خوانش انتقادی متون تولیدی در دانش مدیریت آموزشی ایران دارد. این امر برای هویت یابی این دانش که ضامن کیفیت سیستم های آموزشی است، اجتناب ناپذیر است. تاکنون تلاش های متنوعی برای گونه شناسی، با هدف هویت یابی دانش مدیریت آموزشی عرضه شده است. برای نمونه می توان به دست آوردهای پاپالوئیس (۱۹۸۸)، گونتر و ریبنز (۲۰۰۳)، تامس ای گلاس و همکاران (۲۰۰۴)، اوپلاتکا (۲۰۰۹)، اوپلاتکا (۲۰۱۰)، رسته مقدم و همکاران (۱۳۹۷)، گوموس و همکاران (۲۰۱۸)، هالینگر و کوواسویچ (۲۰۱۹) اشاره کرد. لیکن همچنان بررسی ادبیات پژوهشی موجود در دانش مدیریت آموزشی، تصویری از یک حوزه ی وسیع و سرشار از مسئله را به نمایش می‌گذارد (بوش، ۲۰۰۸). به همین دلیل آلکس و گرون (۲۰۰۵) از مدیریت و رهبری آموزشی به عنوان یک دانش معماگونه، و متناقض نمای تئوریک یاد می‌کنند.

دوره های استنتاج شده برای تفسیر وضعیت دانش مدیریت آموزشی، نشانگر فراز و فرودهای متعددی بوده است. در واقع علیرغم آغاز امیدوارکننده، توسعه قابل توجهی در دوره های بعدی قابل استنتاج نبود. در نتیجه ناکارآمدی این دانش؛ عملا پیوندهای طبیعی و ضروری بین وضعیت سیستم های آموزش رسمی و تولیدات مکتوب در قلمرو دانش مدیریت آموزشی در ایران برای مدتی طولانی گسسته شد. لیکن بخش انتهایی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در سال های اخیر سطح هوشیاری مولفین و مترجمین در دانش مدیریت آموزشی در ایران، کاملاً ارتقا یافته است و در پیوند با تازه ترین یافته های جهانی در این دانش، تلاش می‌شود تا شکاف عمیق ایجاد شده بین دانایی مورد انتظار از مدیریت آموزشی و فرایندهای انحصار طلبانه قبلی، ترمیم شود.

اینکه نقطه عطف بعدی برای هویت بخشی رشته مدیریت آموزشی در ایران چه زمانی و چگونه خواهد بود، نامشخص است. لیکن در این تردیدی نیست که با تلاش هوشمندانه نسل جدید تحصیل کردگان مدیریت آموزشی، و رها کردن خود از چنبره انحصارهای مخرب و ارتجاعی منابع معدود، تکراری، و کم تاثیر ۳۰ سال گذشته، افق های تازه ای را اولاً برای توسعه دانش مدیریت آموزشی ایرانی در بسترهای جهانی و ثانیاً امکان حمایت نظری از توسعه سیستم های آموزشی کشور، را محقق سازند.

در امتداد پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود، این فرایند تطور شناسی، در خصوص سایر منابع و اسناد مانند مقاله های منتشره، و یا پایان نامه ها و رساله های تحصیلات تکمیلی در قلمرو دانش مدیریت آموزشی نیز بطور مستقل، در معرض تطورشناسی تاریخی قرار گیرند. تحقق این موارد پیشنهادی، در کنار یافته های پژوهش حاضر می‌تواند تصویر دقیق تری و واقع بینانه تری از تطور دانش مدیریت آموزشی در ایران عرضه نماید.

منابع فارسی

- استایلز جانستون، گلا دیس و کارول کمپ بیگی (۱۳۹۶). تحقیق و تفکر در نظریه مدیریت آموزشی، ترجمه محمد میرکمالی، تهران: یسپرون.
- اوپلاتکا، ایزر (۱۳۹۷). تحلیل تاریخی مدیریت آموزشی به عنوان یک حوزه علمی، ترجمه ناصر شیربگی، تهران: آثار معاصر.
- اورنستین، آلن، لانبورگ، فردسی (۱۳۸۵). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی: مفاهیم و عمل، ترجمه محمدعلی فرنی، تبریز: انتشارات محمد علی فرنی.
- اهری، علاءالدین اعتماد (۱۳۸۵). نواندیشی در مدیریت آموزشی (مقدمات و اصول). تهران: پژوهش دادار.
- آهنجیان، محمدرضا (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر مدیریت آموزشی، تهران: نشر نی.
- باتری، مایک (۱۳۸۷). چالش‌های مدیریت آموزشی، ترجمه علی اکبر امین بیدختی، سمنان: دانشگاه سمنان.
- بوش، تونی (۱۳۹۱). تئوری‌های رهبری و مدیریت آموزشی، ترجمه محمد حسنی، نرگس سکوتی و مریم سامری، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- بهرنگی، محمد رضا (۱۳۷۱). مدیریت آموزشی و آموزشگاهی: کاربرد نظریه‌های مدیریت در برنامه‌ریزی و نظارت، تهران: کمال تربیت.
- بهرنگی، محمد رضا (۱۳۷۱). مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، تهران: کمال تربیت.
- تورانی، حیدر (۱۳۹۰). کاربست مدیریت فرآیند مدار در مدرسه، تهران، تزکیه.
- حسینقلی زاده، رضوان، آهنجیان، محمد رضا، نوفرستی، علی و معصومه کوهساری (۱۳۹۵). سیری در تاریخ اندیشه‌های مدیریت آموزشی با نگاهی به تجربه‌های بین‌المللی، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال ششم، شماره ۲، ۱۲۸-۱۵۲.
- حسینقلی زاده، رضوان؛ آهنجیان، محمدرضا؛ نوفرستی، علی؛ کوهساری، معصومه. (۱۳۹۵). سیری در تاریخ اندیشه‌های مدیریت آموزشی با نگاهی به تجربه‌های بین‌المللی. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت سال ششم پاییز و زمستان، ۱۲۸-۱۵۲.
- خلخالی، علی (۱۳۹۴). مدیریت آموزشی تعمیم یافته (بازخوانی و بازسازی نقش رشته)، تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی.
- خلخالی، علی (۱۳۹۹). روایت مدرسه ایرانی در مدار هزاره. تهران: پیشگامان پژوهش مدار
- خلخالی، علی، مهرگان، منصور و حسن دلیری، (۱۳۸۹). بررسی اثرات ساختار آموزش بر توزیع درآمد، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۴، زمستان ۱۳۸۹، سال چهارم، شماره ۲، ۵۷-۷۱.
- رسته مقدم، آرش، عباس پور، عباس و علی جلالی دیزجی (۱۳۹۵). تاملی بر میراث جهانی رشته مدیریت آموزشی، مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۹، شماره ۱۶، ۵۱-۸۴.

- رعدی افسوران، نقی و احمدرضا نصر (۱۳۹۵). مطالعه ترجیحات روش‌شناختی پژوهشگران حوزه مدیریت آموزشی در ایران و غرب و آینده روش‌شناسی پژوهش در آن، مجله علوم تربیتی، دوره ۲۲، شماره ۲، ۵۵-۷۸.
- ساعی، علی، قاراخانی، معصومه و فرشاد مومنی (۱۳۹۰). دولت و سیاست آموزش در ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۹، شماره ۵۶، ۱۱۷-۱۶۶.
- سلیمی قربانعلی، فروغی ابری، احمد علی و اکرم گودرزی (۱۳۸۶). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی با نگرش نوین، خوراسگان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- سید عباس زاده، میرمحمد (۱۳۸۰). کلیات مدیریت آموزشی، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- شمس، غلامرضا (۱۳۹۶). مبانی و اصول مدیریت آموزشی، تهران: سمت.
- شیرازی، علی (۱۳۷۳). مدیریت آموزشی، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- شیرازی، علی (۱۳۹۲). مدیریت آموزشی، تحقیق، تئوری و عمل، تهران: مهربان نشر.
- صادقی فسایی، سهیلا، عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ مورد مطالعه: تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۸(۲۹)، ۶۱-۹۱.
- صمدزاده، حبیب (۱۳۹۲). بررسی وضعیت مدیریت آموزشی در ایران از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، مطالعه‌ای کیفی، مجله مدیریت بر آموزش سازمان‌ها، جلد ۲، شماره ۲، ۷۱-۱۰۴.
- طوسی، محمد علی (۱۳۴۲). سازمان فرهنگ و رهبری آن، تهران: تهران مصور.
- عبداللهیان، حمید و تقی آزاد ارمکی (۱۳۹۴). تحلیل انتقادی کتاب‌های مبانی جامعه‌شناسی در ایران، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۱۹، شماره ۳۶، ۱-۲۷.
- عبدی، لیلا، صیادکوه، اکبر، آمنه سادات، طاهریان (۱۳۹۲). پیشنهاد چارچوبی نو برای کتابشناسی توصیفی-تحلیلی با تأکید بر دیدگاه انتقادی، تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، دوره ۱۹، شماره ۷۲، ۲۱-۵۱.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۹۵). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران: روان.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۵۷). مقدمات مدیریت آموزشی، تهران: رز.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۷۰). اصول مدیریت آموزشی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۷). به سوی موج سوم در مطالعات برنامه‌درسی ایران حرکت به فراسوی نوفهم‌گرایی، در جستجوی تکثرگرایی در اقلیم‌های برنامه‌درسی، دو فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی آموزش عالی، دوره ۹، شماره ۱۸، ۴۵-۶۹.
- قربانی، محترم (۱۳۹۰). کتاب‌شناسی توصیفی، انتقادی دهخدا. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده ادبیات.

- کرمی، مرتضی و زهرا حجازی (۱۳۹۳). شناسایی، مقایسه و تحلیل گرایش‌های موضوعی کتاب‌های درسی دانشگاهی رشته تکنولوژی آموزشی در ایران و جهان، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۱۸، شماره ۳۲، ۴۸-۱۹.
- کرمی، مرتضی، حجازی، زهرا و محمد صادق طباطبایی (۱۳۹۵). شناسایی، مقایسه و تحلیل گرایش‌های موضوعی غالب و غایب در کتاب‌های درسی دانشگاهی رشته مطالعات برنامه‌درسی در ایران و جهان، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۲۰، شماره ۳۸، ۶۳-۴۸.
- کلمن، ماریانه، گلور، درک (۱۳۹۲). رهبری و مدیریت آموزشی، ترجمه حسن قلاوندی و نرگس سکوتی، ارومیه: دانشگاه ارومیه، ارومیه.
- گلاس، تامس ای و رابرت میسن (۱۳۹۷). تاریخ مدیریت آموزشی از منظر کتب درسی، ترجمه: ناصر شیربگی تهران: آثار معاصر.
- لی فام، جیمز، هووئه، جیمز (۱۳۶۳). مدیریت مدارس: مبانی، تئوری‌ها، ترجمه محمد علی نائلی، اهواز: دانشگاه شهید چمران ۱۳۶۳.
- مختارپور، رضا و غلامرضا حیدری (۱۳۹۶). روش شناسی پژوهش در علم اطلاعات و دانش‌شناسی: رویکرد کتابشناختی، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، دوره ۲۸، شماره ۲، ۶۱-۸۴.
- مرادمند، مهدی (۱۳۷۵). مدیریت آموزشی، تبریز: دانشگاه تربیت معلم تبریز.
- موسوی، سید حمید، بیگی طاهره و حسن عاشقی (۱۳۸۸). مدیریت آموزشی، تهران: فرهیختگان، دانشگاه تهران.
- میدلود، دیوید، بوش، تونی (۱۳۹۳). رهبری و مدیریت آموزشی، ترجمه محمدرضا آهنگچیان و منصوره عتیقی، تهران: رشد.
- میرکمالی، محمد (۱۳۷۳). رهبری و مدیریت آموزشی، تهران: یسپرون.
- نائلی، محمد (۱۳۵۶). آشنایی با کاربرد روش سیستم‌ها در مدیریت آموزشی، اهواز: دانشگاه جندی شاپور.
- نظری، مرتضی، باقری، خسرو، دولت‌آبادی، شیوا، رنایی، محسن، عشایری، حسن، فاضلی، نعمت‌الله، فراستخواه، مقصود، قانع‌راد، محمدمین و جعفر محمدی (۱۳۹۷). مرگ مدرسه؟: گفتارهای انتقادی در آموزش و پرورش ایران. تهران: مشق شب.
- نیکنامی، مصطفی (۱۳۹۲). نظارت و راهنمایی آموزشی، تهران: سمت.
- وایلز، کیمبل (۱۳۶۶). مدیریت و رهبری آموزشی، ترجمه محمد علی طوسی، تهران: دانشگاه سپاهیان انقلاب.
- ویل، مارشا، کالهن، امیلی و بروس جویس (۱۳۸۶). الگوهای تدریس + خانواده الگوهای اجتماعی، اطلاعات‌پردازی، انفرادی، رفتارهای همراه با مباحثی درباره‌ی تفاوت‌های فردی، تنوع و برنامه‌درسی، ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران: کمال تربیت.
- هسن، مارک (۱۳۶۴). مدیریت آموزشی و رفتار سازمانی، ترجمه علی نائلی، اهواز: دانشگاه شهید چمران.

- هوی، وین ک، میسکل، سیسل، (۱۳۷۰). مدیریت آموزشی، تئوری، تحقیق و عمل، ترجمه میرمحمد سید عباس زاده، ارومیه: دانشگاه ارومیه.

منابع انگلیسی

- Ahmed, J. U. (2010). Documentary Research Method: New Dimensions. *Indus Journal of Management & Social Sciences*. Volume 4. pp 1-14.
- Allix, N., & Gronn, P. (2005). "Leadership as a Manifestation of Knowledge", *Educational Management Administration & Leadership*, 33(2): 181-196.
- Benn, Arnie. (2016). *Evolutionology: The Power of Knowing How People Work: Your Life, Instinct, & Emotional Intelligence (A Practical Guide)*. CreateSpace Independent Publishing Platform.
- Bridges, E. M. (1982). "Research on the school administrator: The state of the art", 1967-19801. *Educational Administration Quarterly*, 18(3): 12-33.
- Bush, T. (2003). *Theories of educational leadership and management*. Sage.
- Bush, T. (2007). "Educational leadership and management: Theory", policy and practice. *South African journal of education*, 27(3): 391-406.
- Capper, C. A. (Ed.). (1993). *Educational administration in a pluralistic society*. SUNY Press.
- Clarke, S., & O'Donoghue, T. (2017). "Educational leadership and context: A rendering of an inseparable relationship", *British Journal of Educational Studies*, 65(2): 167-182.
- English, F. W. (Ed.). (2006). *Encyclopedia of educational leadership and administration*. Sage publications.
- Erickson, D. A. (1979). "Research on educational administration: The state-of-the-art", *Educational Researcher*, 8(3): 9-14.
- Griffiths, D. (1997). "The case for theoretical pluralism", *Educational Management & Administration*, 25(4): 371-380.
- Gumus, S., Bellibas, M. S., Esen, M., & Gumus, E. (2018). "A systematic review of studies on leadership models in educational research from 1980 to 2014", *Educational Management Administration & Leadership*, 46(1): 25-48.
- Gunter, H. M. (2016). *An intellectual history of school leadership practice and research*. Bloomsbury Publishing.
- Gunter, H., & Ribbins, P. (2003). "The field of educational leadership: studying maps and mapping studies", *British journal of educational studies*, 51(3): 254-281.
- Hallinger, P. (2011). "A review of three decades of doctoral studies using the principal instructional management rating scale: A lens on methodological progress in educational leadership", *Educational Administration Quarterly*, 47(2): 271-306.
- Hallinger, P. (2014). "Reviewing reviews of research in educational leadership: An empirical assessment", *Educational Administration Quarterly*, 50(4): 539-576.
- Hallinger, P., & Chen, J. (2015). "Review of research on educational leadership and management in Asia: A comparative analysis of research topics and methods, 1995-2012", *Educational management administration & leadership*, 43(1): 5-27.
- Hallinger, P., & Kovačević, J. (2019). "A bibliometric review of research on educational administration: science mapping the literature, 1960 to 2018", *Review of Educational Research*, 89(3): 335-369.

- Hallinger, P., & Kulophas, D. (2019). "The evolving knowledge base on leadership and teacher professional learning: a bibliometric analysis of the literature, 1960-2018", *Professional development in education*, 1-20.
- Hallinger, P., & Walker, A. (2015). "A synthesis of reviews of research on principal leadership in East Asia", *Journal of Educational Administration*, 53(4): 554-570.
- Hallinger, P., Walker, A., Szeto, E., & Lee, T. T. H. (2015). "A systematic review of research on educational leadership in Hong Kong, 1995-2014", *Journal of Educational Administration*. 53(4): 534-553.
- Hammad, W., & Hallinger, P. (2017). "A systematic review of conceptual models and methods used in research on educational leadership and management in Arab societies", *School Leadership & Management*, 37(5): 434-456.
- Kantzara, V. (2009). *Social Functions of Education*. Blackwell Encyclopedia of Sociology Online, Blackwell Publishing.
- Oplatka, I. (2008). The field of educational management some intellectual insights from the 2007 BELMAS national conference. *Management in Education*, 22(3), 4-10.
- Oplatka, I. (2009). "The field of educational administration", *Journal of Educational Administration* 47(1): 8-35.
- Oplatka, I., & Arar, K. (2017). "The research on educational leadership and management in the Arab world since the 1990s: A systematic review", *Review of Education*, 5(3): 267-307.
- Özdemir, M. (2011). *Educational Administration: A Science at the Intersection of Public Administration and Business Administration*. *Amme Idaresi Dergisi*, 44(2), 29-42.
- Papalewis, R. (1988). *The Discipline of education Administration: Crediting the Past*. *Educational Leadership and Administration*. Volume 1, SAGE.
- Sinha, C. (2013). "Conceptualizing educational leadership: does exploring macro-level facets matters?", *Asia Pacific Education Review*, 14(2): 141-150.
- Taylor, J., & Miroiu, A. (2002). *Policy-Making, Strategic Planning, and Management of Higher Education*. *Papers on Higher Education*. Carfax Publishing, Taylor & Francis Ltd.
- Walker, A., Hu, R., & Qian, H. (2012). "Principal leadership in China: An initial review", *School Effectiveness and School Improvement*, 23(4): 369-399.
- Wang, Y., Bowers, A. J., & Fikis, D. J. (2017). "Automated text data mining analysis of five decades of educational leadership research literature: Probabilistic topic modeling of EAQ articles from 1965 to 2014", *Educational administration quarterly*, 53(2): 289-323.